

صلاحیت دادگاه‌های امریکا

در پذیرش دعاوی علیه شرکت‌های چندملیتی

بر اساس قانون ادعاهای ناشی از مسئولیت مدنی بیگانگان

نوید رهبر*

چکیده:

با وجود گذشت بیش از ۲۲۰ سال از زمان تصویب قانون مسئولیت مدنی بیگانگان در اولین کنگره ایالات متحده در سال ۱۷۸۹، این قانون همچنان در دادگاه‌های فدرال ایالات متحده مورد استناد قرار می‌گیرد. در صورتی که نقض معاهدات بین‌المللی ایالات متحده و حقوق ملل منجر به مسئولیت مدنی شود، این قانون حق اقامه دعا را به بیگانگان در دادگاه‌های فدرال اعطاء می‌کند. این مقاله صلاحیت دادگاه‌های فدرال در قبول دعاوی و صدور رأی بر مبنای قانون مسئولیت مدنی بیگانگان علیه شرکت‌های چند ملیتی را بررسی می‌کند.

کلیدواژه‌ها:

صلاحیت، قانون مسئولیت مدنی بیگانگان، شرکت‌های چندملیتی، نقض معاهدات و حقوق ملل.

مقدمه

قواعد حاکم در خصوص صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاه‌ها از جمله قواعدی هستند که حق افراد ذی‌نفع برای طرح دعاوی و دادگاه صالح برای رسیدگی و صدور حکم را مشخص می‌نمایند.^۱ این قواعد تا حد زیادی منعکس کننده مدل حاکمیتی است که در پیمان وستفالی می‌توان آن را یافت.^۲ بر اساس این مدل، حکومت به عنوان تنها بازیگر در صحنه بین‌الملل و به عنوان بالاترین مقام، تمامی حقوق و تکالیف کسانی که در قلمرو سرزمینی‌اش وجود دارند را تعیین می‌نماید. با گسترده شدن روابط بین کشورها در زمینه اقتصادی و سیاسی و روبه‌رو شدن با پدیده جهانی شدن، حاکمیت کشورها با اموری روبه‌رو شدند که محدود به قلمرو سرزمینی آنها نبود. مسائل جدی در سطح ملی و بین‌المللی مانند تروریسم بین‌المللی، تغییرات آب و هوایی، آلودگی‌های محیط زیست، بحران‌های مالی، تنظیم و کنترل فعالیت اقتصادی شرکت‌های چندملیتی و حتی مسائل مربوط به حقوق بشر از زمره مواردی است که کشورها دیگر به تنهایی نمی‌توانند با مدل حاکمیتی پیمان وستفالی موفق به مواجهه و حل مؤثر این چالش‌ها شوند. سازمان‌های فراملی منطقه‌ای و بین‌المللی بین‌الدولی، شرکت‌های چندملیتی، نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد در کنار دولت‌ها نظم اقتصادی نوینی را ایجاد نموده‌اند که بسیاری از جنبه‌های حقوق داخلی و به خصوص حقوق خصوصی را تحت تأثیر خود قرار داده است.

یکی از مهم‌ترین این بازیگران شرکت‌های چندملیتی هستند، که به دلیل دسترسی به منابع مالی گسترده، قابلیت جابه‌جایی فعالیت‌های خود از کشوری به کشور دیگر و حتی نفوذ سیاسی و اقتصادی خود، از اجرای قوانینی که در قلمرو سرزمینی یک کشور وجود دارد و مسئولیت‌های حقوقی آن‌شان خالی می‌نمایند. مدل حاکمیتی پیمان وستفالی، تنها به قلمرو سرزمینی خود محدود است و نمی‌تواند این شرکت‌های چندملیتی را به دلیل نقض قوانین

۱. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۲۱ - مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۶۰۷۰ (محدود کردن خواهان به اقامه دعوا در محل اقامت خوانده، محل سکونت موقت، مال غیر منقول از جمله این محدودیت‌ها است).

۲. پیمان نامه وستفالی میان کشورهای اروپایی (به استثناء بریتانیا و لهستان) در سال ۱۶۴۸ میلادی منعقد گشت. در این پیمان حقوق برابر و یکسان کشورها به عنوان واحدهای مستقل سیاسی مورد پذیرش قرار گرفت. برای اطلاع بیشتر، نک:

Sovereignty, Stanford Encyclopedia of Philosophy, available at <http://plato.stanford.edu/entries/sovereignty/> (last accessed 12.06.15)

داخلی و بین‌المللی (ایجاد آلودگی‌های زیست‌محیطی، نقض حقوق بشر و ...) به طور مؤثر به پرداخت خسارات محکوم نماید.^۳ در واقع، این شرکت‌ها به راحتی می‌توانند مسئولیت خود را از طریق انتقال اموال خود از کشوری به کشور دیگر و همچنین استفاده از مزایای قانونی اعطا شده به شرکت‌های تجاری (محدودیت مسئولیت به نسبت سهام یا سهم‌الشرکه) محدود نمایند. شرکت‌های فراملی نه تنها در بسیاری از موارد موضوع حقوق بین‌الملل نیستند و حقوق بین‌الملل نسبت به آنها به طور مستقیم اجرا نمی‌شود بلکه حتی نمی‌توان آنها را در دادگاه‌های بین‌المللی (مانند دیوان بین‌المللی دادگستری) طرف دعوا قرار داد. همچنین وجود دستورالعمل و کدهایی که توسط سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل و سازمان بین‌المللی کار و یا سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه به منظور ارتقاء مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها پیشنهاد شده،^۴ به دلیل فقدان ضمانت اجرا نمی‌تواند ابزاری لازم و کافی برای پاسخگویی شرکت‌های چندملیتی باشد و این شرکت‌ها تنها به طور داوطلبانه به اجرای دستورالعمل‌ها و رهنمودها می‌پردازند.

یکی از مهم‌ترین قوانینی که در نظام ایالات متحده امریکا، بر مبنای آن دادگاه‌های فدرال ایالات متحده، صلاحیت رسیدگی و صدور حکم خسارت علیه شرکت‌های چند ملیتی را دارند، قانون ادعاهای مسئولیت مدنی بیگانگان^۵ و یا قانون مسئولیت مدنی بیگانگان^۶ است. بررسی نظام دادرسی ایالات متحده به دلیل وجود هیأت منصفه - و عدم اتکاء به نظر انفرادی قاضی - و همچنین جبران خسارت‌های مالی به مراتب بیشتر از کشورهای دیگر و پیش‌بینی خساراتی همچون خسارات‌های تنبیهی^۷ و همچنین قواعد آیین دادرسی خاص در خصوص کشف و جمع‌آوری ادله از خوانده^۸ از اهمیت زیادی برخوردار است.

هدف از ارائه این مقاله، پس از بیان تاریخچه مختصری در مورد قانون مسئولیت مدنی بیگانگان، بررسی صلاحیت دادگاه‌های فدرال ایالات متحده در خصوص شرکت‌های چند ملیتی است.

۳. بحران محیط زیستی که توسط شرکت نفتی بی پی در سال ۲۰۱۰ در سواحل خلیج مکزیک به وقوع پیوست از جمله این موارد است.

4. The OECD Guidelines for Multinational Enterprises, available at <http://www.oecd.org/corporate/mne/> (last visited 01/06/2015); The United Nations Global Compact, Ten Principles, available at <https://www.unglobalcompact.org/> (last visited 01/06/2015).

5. Alien Tort Claim Act

6. Alien Tort Statute, 28 U.S.C. § 1350

7. punitive damages

۸. مفهوم discovery یکی از مهم‌ترین ابزار برای افشای اطلاعات و ادله خوانده می‌باشد.

۱- پیشینه تاریخی

اولین کنگره ایالات متحده بر اساس ماده ۳ قانون اساسی ایالات متحده، اقدام به ایجاد دادگاه‌ها نمود.^۹ قانون مسؤولیت مدنی بیگانگان نیز بخشی از این قانون بود. ماده ۹ این قانون تصریح نموده که «دادگاه‌های بخش» باید، همزمان با دادگاه‌های ایالات و یا دادگاه‌های [تجدید نظر فدرال] منطقه‌ای،^{۱۰} ... نسبت به تمام عللی که یک بیگانه تنها به دلیل نقض حقوق ملل^{۱۱} و یا معاهده ایالات متحده^{۱۲} اقدام به طرح دعوای مسؤولیت مدنی می‌نماید، آگاهی و شناخت داشته باشد.» در سال ۱۸۷۸ متن این قانون مورد بازنگری قرار گرفت. متن اصلاح شده مقرر داشت تا «دادگاه‌های منطقه‌ای صلاحیت [رسیدگی به] تمامی دعوای که توسط هر بیگانه‌ای برای مسؤولیت مدنی ناشی از نقض حقوق ملل و یا معاهده ایالات متحده مطرح می‌شود را دارد.»^{۱۳}

این قانون تا دو قرن پس از تصویب آن به ندرت مورد استناد دادگاه‌های فدرال قرار گرفته است و تنها ظرف ۳۵ سال گذشته توسط طرفین دعوا و دادگاه‌های فدرال تفسیر و اعمال گردیده است. برای بررسی قلمرو این قانون و قابلیت استناد به آن، این مسأله باید مورد توجه قرار گیرد که این قانون بیش از ۲۲۰ سال پیش به تصویب رسیده است و زمانی

9. See, Judiciary Act 1789

قابل ذکر است که دادگاه‌های فدرال ایالات متحده شامل سه دسته دادگاه است. دادگاه‌های منطقه‌ای (district courts) که شامل ۹۴ دادگاه منطقه است. مرحله تجدید نظر از تصمیمات دادگاه‌های منطقه‌ای، ۱۳ دادگاه بخشی دیگر به نام (circuit courts) است و مرجع نهایی دیوان عالی ایالات متحده است. دادگاه‌های فدرال در دعوای مدنی دارای صلاحیت محدود می‌باشند و تنها صلاحیت رسیدگی به پرونده‌هایی است که قانون اساسی ایالات متحده و قوانین فدرال اجازه رسیدگی به آنها را می‌دهد. (صلاحیت اصلی). البته امکان طرح دعوا در دادگاه منطقه‌ای در شرایطی که خوانده در ایالت دیگری است وجود دارد. در این حالت حداقل میزان خواسته باید بیش از ۷۵,۰۰۰ دلار آمریکا باشد. دعوای کیفری نیز در صورتیکه مبنای دعوا نقض قانون فدرال باشد، قابل رسیدگی است. قضات دادگاه‌های فدرال توسط رئیس جمهور و با توصیه و رضایت سنا انتخاب می‌گردند. دیوان عالی کشور آمریکا بالاترین مرجع در نظام دادگستری ایالات متحده است. قبول رسیدگی به یک دعوا توسط دیوان عالی کشور به طور اختیاری است (writ of certiorari). برای اطلاع بیشتر در خصوص نظام دادگاه‌های ایالات متحده، نک:

United States Department of Justice, Introduction to the Federal Court System, available at <http://www.justice.gov/usao/justice-101/federal-courts> (last visited 13.06.15)

۱۰. دادگاه‌های تجدید نظر از تصمیمات دادگاه‌های بخش (circuit courts)

11. law of nations

12. a treaty of United States

13. Revised Statutes of the United States § 563 (1879)

قانون مزبور در سال ۱۹۱۱، ۱۹۴۸ مورد بازنگری قرار گرفت و با تغییرات جزئی از جمله تغییر civil suits به action پرداخت.

که این قانون در حال شکل‌گیری بود، مستعمره پادشاهی انگلستان در امریکا به تازگی اعلام استقلال نموده بودند و روابط اقتصادی و سیاسی بین کشورها نیز به گستردگی امروز نبوده است.^{۱۴}

در خصوص اینکه هدف کنگره از وضع این قانون چه بوده گمانه‌زنی‌های مختلفی شده است.^{۱۵} حمایت حقوق دیپلمات‌ها، کمک برای دسترسی بیگانگان به عدالت، تعهد ایالات متحده به اجرای حقوق بین‌الملل و یا اعطای صلاحیت جهانی به دادگاه‌های ایالات متحده از زمره این گمانه‌زنی‌هاست.^{۱۶} به طور کلی گمانه‌زنی‌های فوق می‌تواند به دو تفسیر از این قانون منجر شود. تفسیر اول مربوط به دیدگاهی است که بر مبنای آن به بیگانگان اجازه اقامه دعا و تقاضای جبران خسارت در قلمرو سرزمینی ایالات متحده علیه شهروندان ایالات متحده را به دلیل انجام اعمالی که منجر به مسؤولیت مدنی می‌شود، می‌دهد.^{۱۷} تفسیر دیگر بر این مبنا است که قانون مسؤولیت مدنی بیگانگان تنها در خصوص صلاحیت دادگاه‌ها قابل اعمال است و حق اقامه دعا را در مواردی بسیار محدود به بیگانگان اعطاء می‌کند.^{۱۸}

۲- شرایط اعمال قانون مسؤولیت مدنی بیگانگان و تکامل آن در رویه

دادگاه‌ها

برای اینکه قانون مسؤولیت مدنی بیگانگان بتواند در دادگاه توسط خواهان^{۱۹} مورد استناد قرار گیرد، باید شرایطی توسط دادگاه‌های بخش^{۲۰} احراز شود. شرط اول این است که دعا توسط یک بیگانه^{۲۱} مطرح شود. شرط دوم این است که دعا در خصوص موضوعی مربوط به

۱۴. در خصوص تاریخچه وضع قانون، نک:

Congressional Research Service, The Alien Tort Statute: Legislative History and Executive Branch Views (Jennifer K. Elsea, October 2003), available at research.policyarchive.org/1864.pdf (last visited 13.06.15)

۱۵. برای تأیید این امر که احراز قصد اولین کنکره ایالات متحده تقریباً امری محال است، نک: رأی دیوان عالی کشور ایالات متحده در *Sosa v. Alvarez-Machain*, 542 U.S. 692, 718 (2004).

16. *Id.*, pp. 8-11.

17. Bellia Jr. & Clark, "The Alien Tort Statute and the Law of Nations", pp. 519-520.

۱۸. این نظر در سال ۲۰۰۴ توسط دیوان عالی کشور ایالات متحده در پرونده *Sosa v. Alvarez-Machain*

مطرح شد. نک: 524 U.S. 692 (2004)

۱۹. مفهوم خواهان در این مقاله در معنای عام خود مورد استفاده قرار گرفته است و شامل شاکی در پرونده کیفری نیز می‌شود.

20. district courts

21. alien

مسئولیت مدنی^{۲۲} باشد که در نتیجه عمل خطا در نقض تعهدات بین‌المللی ایالات متحده^{۲۳} و یا حقوق ملل^{۲۴} دیگر محقق شده باشد.

قانون مسئولیت مدنی بیگانگان تعریفی از «بیگانه» ارائه نمی‌دهد.^{۲۵} تعریفی که از مفهوم «بیگانه» ارائه شده است عبارت است از «شخصی که در داخل مرزهای یک کشور اقامت^{۲۶} دارد ولی شهروند ... آن کشور نیست.^{۲۷} بر اساس این تعریف تنها کسانی می‌توانند به این قانون استناد کنند که شهروند کشوری غیر از ایالات متحده باشند و در ایالات متحده اقامت داشته باشند. ایرادی که به این تعریف وارد است، از این قرار است که تفسیر متون قانون باید با توجه به محتوا و شرایط زمانی و مکانی تصویب آن انجام پذیرد و استناد به معانی ارائه شده در لغت‌نامه‌های جدید نمی‌تواند قصد قانونگذاران را در ۲۰۰ سال پیش آشکار نماید. البته شایان ذکر است که قید اقامت در ایالات متحده توسط رأی دیوان عالی کشور ایالات متحده در پرونده رسول علیه بوش^{۲۸} مورد پذیرش قرار نگرفته است. بر اساس رأی دادگاه، بیگانگان غیر مقیم نیز می‌توانند به قانون مسئولیت مدنی بیگانگان استناد نمایند و دیوان عالی تصریح نمود که «هیچ چیزی در رویه ما بیگانگانی [را] که [در] مراکز نظامی خارج از ایالات متحده نگهداری می‌شوند از حق اقامه دعوا در دادگاه‌های ایالات متحده منع نمی‌نماید.»^{۲۹} البته بدون اثبات وجود صلاحیت شخصی^{۳۰} و موضوعی^{۳۱} دادگاه‌های فدرال صلاحیت رسیدگی به دعوا را ندارند. دادگاه‌های فدرال در صورتی صلاحیت شخصی نسبت خوانده را دارند که «حداقل ارتباط» با ایالت و یا ناحیه وجود داشته باشد. برای نمونه انجام امور تجاری در

22. tort

23. a treaty of the United States

۲۴. law of nations متن قانونگذار می‌باشد و در آراء به حقوق بین‌الملل تفسیر شده است. البته حدود آن توسط دادگاه‌های ایالات متحده تفسیر موسع و مضیق شده است.

۲۵. در خصوص بحث در تمایز بین مفهوم alien و foreigner ، نک:

Berry, "Whether Foreigner or Alien: A New Look at the Original Language of the Alien Tort Statute".

26. Resides within the borders, 27 Berkeley Journal of International Law 316 (2009).

در این مقاله هدف مؤلف ارائه تفسیری مضیق از مفهوم بیگانگان [بیگانگان مقیم ایالات متحده] برای استناد به قانون مسئولیت مدنی بیگانگان است.

27. Black's Law Dictionary, p. 84.

28. Rasul v. Bush, 524 U.S. 466 (2004).

29. Id. At 484.

30. Personal jurisdiction; for more information see, Born, *International Civil Litigation in United States Courts: Commentary & Materials*, pp. 1-68.

31. Subject matter jurisdiction; for more information see, Born, *International Civil Litigation in United States Courts: Commentary & Materials*, pp. 1-68.

ایالات متحده و یا داشتن شعبه و نمایندگی در آن کشور منجر به وجود صلاحیت شخصی نسبت به آن شرکت می‌شود.^{۳۲} دادگاه‌های فدرال همچنین از لحاظ موضوعی باید صلاحیت رسیدگی به موضوع را داشته باشند. در این دعاوی معمولاً قانون فدرال نقض شده است. برای نمونه در قانون مسئولیت مدنی بیگانگان، قانونگذار تصریح می‌نماید که دادگاه‌های منطقه‌ای صلاحیت [رسیدگی به] تمامی دعاوی‌ای که توسط هر بیگانه‌ای برای مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق ملل و یا معاهده ایالات متحده مطرح می‌شود را دارد.^{۳۳} علاوه بر این موضوع، صلاحیت دادگاه فدرال در اختلافات بین دو شخص با تابعیت‌های مختلف نیز از دیگر موارد صلاحیت دادگاه‌های فدرال است.^{۳۴} البته این صلاحیت محدود به جایی است هر دو طرف دعوا بیگانه نباشند.^{۳۵}

شرط دوم برای اعمال قانون مسئولیت مدنی بیگانگان از این قرار است که دعوا در خصوص موضوعی مربوط به مسئولیت مدنی باشد که در نتیجه عمل خطا در نقض تعهدات بین‌المللی ایالات متحده و یا حقوق ملل دیگر محقق شده باشد. قانون مسئولیت مدنی بیگانگان به صراحت نقض تعهدات ایالات متحده مندرج در یک معاهده بین‌المللی را که منجر به مسئولیت مدنی ناقض می‌شود در قلمرو صلاحیت این قانون آورده است. اینکه معاهده بین‌المللی آیا در نظام ایالات متحده اجرایی شده باشد و قانون حاکم در آن سرزمین باشد توسط دادگاه‌ها باید مورد بررسی قرار گیرد. برای نمونه در پرونده‌ای که خواهان به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی استناد نموده بود، دیوان عالی کشور ایالات متحده استدلال نمود که هر چند ایالات متحده در سال ۱۹۹۲، عضو این میثاق بین‌المللی گشته و در حقوق بین‌الملل ایالات متحده متعهد به اجرای آن است اما این میثاق در نظام داخلی ایالات متحده به خودی خود قابل اجرا^{۳۶} نیست.^{۳۷} ایرادی که به نظر دیوان عالی کشور وارد

۳۲. برای نمونه، نک: رأی صادره در نیویورک (Frummer v. Hilton Hotels, 227 N.E.2d 851 (NY 1967)).

33. Alien Tort Statute, 28 U.S.C. § 1350.

۳۴. به نوع از صلاحیت (diversity jurisdiction) اطلاق می‌شود. نک:

Black's Law Dictionary, p. 929.

۳۵. بعضی از دادگاه‌ها در جایی که طرف خارجی جزء خواندگان باشد و خوانده دیگر شهروند ایالات متحده

باشد، صلاحیت رسیدگی بر مبنای diversity را اعطا نموده‌اند، نک: 28 U.S.C. § 1332 (a:3).

۳۶. self-executing treaty معاهده‌ای است که به قانون اجرایی برای لازم‌الاجرا شدن آن در کشور نیازی نیست و تنها با تصویب آن در کنگره، آن معاهده لازم‌الاجرا می‌شود. بر اساس ماده ۹ قانون مدنی ایران، «مقررات و عهودی که طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است». اصل ۷۷ تصریح دارد که «عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادهای و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای

است این است که مفهوم اجرایی شدن خودکار معاهدات در حقوق ایالات متحده، امری نوظهور است که در زمان تصویب قانون مسئولیت مدنی بیگانگان وجود نداشته است. لذا، محدودیت اعمال شده توسط دیوان در اجرای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی صحیح به نظر نمی‌رسد.^{۳۸} در عمل نیز باید توجه نمود که روشی دقیق برای تشخیص اجرایی شدن خودکار معاهدات بین‌المللی وجود ندارد و به علاوه اینکه این نوع معاهدات به ندرت در حقوق ایالات متحده ایجاد شده است. برای نمونه در بعضی از دادگاه‌ها به این امر استناد شده است که کنوانسیون وین در خصوص روابط کنسولی، معاهده‌ای است که پس از تصویب در کنگره و بدون نیاز به تصویب قانون در اجرای آن قابل اجرا در محدوده سرزمینی ایالات متحده است.^{۳۹}

نقض حقوق ملل در پرونده‌های مربوط به قانون مسئولیت مدنی بیگانگان بیشتر در دادگاه‌های ایالات متحده مورد استناد قرار گرفته است. با توجه به اینکه قانونگذار مفهوم حقوق ملل را تعریف ننموده، رویه دادگاه‌ها به تعیین قلمرو و تبیین مفهوم حقوق ملل پرداخته است. بعضی از دادگاه‌ها قلمرو حقوق ملل را به قواعد آمره حقوق بین‌الملل محدود نموده‌اند و نقض عرف بین‌الملل را جزئی از مواردی که منجر به استناد به قانون مسئولیت مدنی بیگانگان می‌شود، ندانسته‌اند.^{۴۰}

دعای مربوط به قواعد آمره حقوق بین‌الملل که تحت قانون مسئولیت مدنی بیگانگان مطرح شده است بیشتر ناظر بر نقض حقوق بشر است.^{۴۱} باید توجه نمود که با توجه به اینکه

اسلامی برسد.» اصل ۱۲۵ هم تصریح کرده است «امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی اوست.» بنابراین، شرطی برای تصویب قوانین داخلی به منظور اجرایی شدن آن در حقوق ایران وجود ندارد. برای اطلاعات بیشتر در خصوص این نوع معاهدات در ایالات متحده، نک: Vázquez, "The Four Doctrines of Self-Executing Treaties".

37. 542 US 692, 734-735.

۳۸. برای دیدن نظر موافق که معاهدات بین‌المللی که به طور خودکار در نظام ایالات متحده اجرایی نیستند ولی در دادگاه‌های مورد استناد قرار گرفته‌اند، نک:

Hathaway, McElroy & Solow, "International Law at Home: Enforcing Treaties in U.S. Courts".

39. State v. Sanchez-Llamas, 338 Ore. 267; See also Vazquez, "Judicial Enforcement of Treaties: Self-Execution and Related Doctrines".

40. Tel-Oren v. Libyan Arab Republic. 726 F.2d 77, 826-827 (DC Circuit Court, 1984).

Kadic v. Karadzic, 70 F.3d 232 (2d. Cir. 1995) ۴۱. برای پرونده مربوط به نسل‌کشی، نک:

برای پرونده‌های مربوط به جرائم جنگی، نک:

Kadic v. Karadzic, 70 F.3d at 240-43; Doe v. Islamic Salvation Front, 993 F. Supp. 3, 8 (D.D.C. 1998).

دولت‌ها موضوع قواعد آمره حقوق بین‌الملل هستند، خواهان باید ثابت کند که دولت و یا شرکت‌های وابسته به دولت به نقض قواعد آمره اقدام کرده‌اند.^{۴۲} البته در خصوص بعضی موارد از جمله نسل‌کشی، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی، طرف دعوا می‌تواند شخص و یا شرکتی (که وابسته به دولت نیست) باشد. برای نمونه شرکت نفتی کانادایی تلیسمن انرژی طرف دعوا در دادگاه منطقه‌ای جنوب نیویورک قرار گرفت و خواهان ادعا کرد که شرکت مزبور، یک شرکت حفاظتی امنیتی نظامی که آگاهانه اقدام به نسل‌کشی علیه اقلیت مسلمان سودان نموده بود را استخدام کرده است.^{۴۳} هر چند که این دعوا از لحاظ ماهوی در دادگاه تجدید نظر رد شد^{۴۴} و دیوان عالی کشور تقاضای بررسی آن را رد نمود، اما صلاحیت دادگاه بدوی فدرال در رسیدگی به این دعوا وارد دانسته شد. البته قابل ذکر است که یکی از دلایل رد دعوا، صدور پرونده سوسا علیه آلوارز در دیوان عالی کشور در سال ۲۰۰۴ بود که تفسیری مضیق از قلمرو اعمال قانون مسئولیت مدنی بیگانگان ارائه نموده است.^{۴۵}

با توجه به اینکه قانون مسئولیت مدنی بیگانگان در بیش از دو قرن در دادگاه‌های فدرال ایالات متحده و دیوان عالی کشور تفسیر شده است، ضروری است که این تفاسیر مورد بررسی قرار گیرد. آراء صادره به استناد قانون مسئولیت مدنی بیگانگان را می‌توان به سه دوره تقسیم نمود. دوره اول مربوط به زمان تصویب قانون تا سال ۱۹۸۰ و صدور رأی فیلارتیگا^{۴۶} می‌شود. دوره دوم مربوط به آراء صادره از سال ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۰۴ و زمانی است که دیوان عالی کشور رأی سوسا علیه آلوارز را صادر نمود، و دوره آخر مربوط به پرونده‌های صادره پس از سال ۲۰۰۴ است.

برای پرونده‌های مربوط به اعدام بدون وجود مراحل دادرسی قضایی، نک:

Estate of Cabello v. Fernandez-Larios, 157 F. Supp. 2d 1345 (S.D. Fla. 2001); Forti v. Suarez-Mason, 672 F.Supp. 1531 (N.D. Cal.1987)

برای پرونده‌های مربوط به کار اجباری در کارخانه، نک:

Iwanowa v. Ford Motor Co., 67 F. Supp. 2d 424, 443 (D.C. N.J. 1999); NCGUB v. Unocal Corp., 176 F.R.D. 329, 348 (C.D. Cal. 1997)

برای پرونده مربوط به شکنجه، نک:

Abebe-Jira v. Negewo, 72 F.3d 844 (11th Cir.1996); Xuncax v. Gramajo, 886 F.Supp. 162 (D.Mass. 1995).

برای جرایم علیه بشریت، نک:

Wiwa v. Royal Dutch Petroleum Co., 226 F.3d 88 (S.D.N.Y. 2002).

42. Beanal v. Freeport-McMoran, Inc., 969 F. Supp. 362 (E.D. Louisiana 1997), affirmed in 197 F.3d 161 (5th Cir.1999).

43. Presbyterian Church of Sudan v. Talisman Energy Inc., 244 F.Supp.2d 289 (S.D.N.Y., 2003).

44. Presbyterian Church of Sudan v. Talisman Energy, Inc., 582 F.3d 244 (2nd Cir. 2009).

45. Sosa v. Alvarez-Machain, 542 U.S. 692.

46. Filartiga v. Pefia-Irala, 630 F.2d 876 (2d Cit. 1980).

همان طور که ذکر شد، از سال ۱۷۸۹ تا سال ۱۹۸۰ میلادی تقریباً قانون مسئولیت مدنی بیگانگان قانونی متروک بود. یکی از مهم‌ترین پرونده‌هایی که در سال ۱۷۹۵ با استناد به این قانون در دادگاه منطقه کارولینای جنوبی مورد بررسی قرار گرفت، پرونده بولچس علیه دارل بود.^{۴۷} در این پرونده هر دو طرف اصلی دعوا غیر امریکایی بودند. در این پرونده آقای بولچس که یک کاپیتان فرانسوی بود در زمان بین جنگ اسپانیا و فرانسه کشتی اسپانیایی که حاوی بردگان بود را دریاهای آزاد دستگیر و به کارولینای جنوبی می‌آورد و مالکیت بر محموله کشتی (یعنی بردگان) را از آن خود می‌داند. محموله کشتی که در رهن یک شهروند انگلیسی بوده است توسط نماینده وی (آقای دارل که شهروندی امریکایی است) فروخته می‌شود. در این پرونده دادگاه اعلام می‌کند که صلاحیت خود را علیه نماینده شخص انگلیسی از باب اینکه به نادرستی محموله را به فروش رسانده است، اعمال می‌نماید.^{۴۸}

قانون مسئولیت مدنی بیگانگان در سال ۱۹۸۰ در پرونده فلارتيگا مورد استناد قرار گرفت و دادگاه‌های منطقه‌ای فدرال به بیگانگان اجازه دادند تا دعاوی خود را به دلیل نقض حقوق بین‌الملل مطرح نمایند. دادگاه تجدید نظر ناحیه دوم ایالات متحده در پرونده فلارتيگا علیه پنا ایرالا به شهروندان پاراگوئه اجازه داد تا دیگر شهروندان پاراگوئه‌ای را برای شکنجه و مرگ فرزندان‌شان در آن دادگاه تحت تعقیب قرار دهند.^{۴۹} در این دعوا دادگاه شکنجه را مصداق حقوق ملل تعریف شده قلمداد و استدلال کرد که اگر بیگانه‌ای به دلیل نقض حقوق ملل در ایالات متحده طرف دعوا قرار گیرد، دادگاه فدرال صلاحیت رسیدگی به آن را دارد.^{۵۰} این نظر در اکثر دادگاه‌های تجدید نظر مورد استناد قرار گرفت.^{۵۱} برای نمونه دادگاه تجدید نظر ناحیه هفتم تصریح نمود که قانون مسئولیت مدنی بیگانگان حق اقامه دعوا را در مواقع نقض استانداردهای مشخص و جهانی بین‌المللی حقوق بشر می‌دهد.^{۵۲} از طرف دیگر، دادگاه تجدید نظر ناحیه کلمبیا در دعاوی تل-اورن علیه جمهوری عربی لیبی نظر دادگاه تجدید نظر ناحیه دوم را رد نمود.^{۵۳} در این دعوا که شهروندان اسرائیل با ادعا بر حملات مسلحانه

47. *Bolchos v. Darrell*, 3 F. Cas. 810 (D.S.C. 1795).

48. *Ibid.*

49. *Filartiga v. Pena-Irala* 630 F2d 876 (2d Cir 1980).

دادگاه تجدید نظر ناحیه دوم در پرونده *Kadic v. Karadzic*, 70 F3d 232, 236 (2d Cir 1995) نظر داد که

افراد نیز می‌توانند به عنوان فرد و نه جزئی از دولت طرف دعوا قرار گیرند.

50. *Ibid.*, 878.

51. *Abebe-Jira v. Negewo*, 72 F3d 844, 848 (11th Cir 1996); *Hilola v. Estate of Marcos*, 25 F3d 1467 (9th Cir 1994).

52. *Hilola v. Estate of Marcos*, 25 F3d 1467 (9th Cir 1994).

53. *Tel-Oren v. Libyan Arab Republic*, 726 F2d 774 (DC Cir 1984).

سازمان‌های کشور فلسطین مطرح شده بود، دادگاه نظر دادگاه بدوی مبنی بر عدم صلاحیت را تأیید نمود. در این دعوا سه قاضی هر کدام نظر قضایی خود را اعلام نمودند. یکی از قضات با این استدلال که تروریسم یکی از موارد متفق‌القول در حقوق ملل نیست، دعوا را رد نمود.^{۵۴} قاضی دیگر نتیجه‌گیری کرد که قانون مسئولیت مدنی بیگانگان تنها قانون مربوط به صلاحیت است و حق اقامه دعوا را به خواهان اعطاء نمی‌نماید.^{۵۵} قاضی سوم نیز تصریح نمود که موضوع امری سیاسی است و قوه مجریه باید در این خصوص تصمیم‌گیری نماید و دادگاه حق رسیدگی ندارد.^{۵۶}

دیوان عالی کشور در سال ۲۰۰۴ برای اولین بار به قانون مسئولیت مدنی بیگانگان پرداخت.^{۵۷} در این پرونده *آلوارز* که پزشکی در مکزیک بود به نحوی باعث شکنجه و مرگ مأمور سازمان مبارزه با موارد مخدر شده بود. این مأمور در مکزیک توسط کارتل موارد مخدر دستگیر می‌شود و سپس توسط آنها شکنجه و کشته می‌شود. ایالات متحده ادعا نمود که *آلوارز*، مأمور را به منظور بیشتر زنده ماندن در شکنجه و بازجویی مداوا نموده است. دادگاهی به طور غیابی علیه *آلوارز* در تگزاس تشکیل می‌شود که منجر به صدور رأی محکومیت علیه نامبرده می‌شود اما دولت مکزیک از استرداد وی امتناع می‌ورزد. سازمان مبارزه با مواد مخدر تعدادی از شهروندان مکزیک را به منظور دستگیری غیر قانونی و تحویل مأمور به دادگاه تگزاس احضار می‌کند. دادگاه، *آلوارز* را آزاد می‌نماید و وی پس از بازگشت به مکزیک به استناد قانون مسئولیت مدنی بیگانگان و قانون فدرال مسئولیت مدنی^{۵۸} علیه ایالات متحده، سازمان مبارزه با موارد مخدر *سوسا* و دیگر کسانی که وی را بازداشت غیر قانونی نموده‌اند اقامه دعوا می‌کند. دادگاه فدرال، *سوسا* و سایر شهروندان مکزیک را به پرداخت بیست و پنج هزار دلار امریکا بابت خسارات محکوم می‌نماید. دادگاه در خصوص ادعاهای مربوط به قانون مسئولیت مدنی بیگانگان رأی داد که در این مورد ایالات متحده باید طرف دعوا قرار گیرد و سپس به استناد قانون فدرال مسئولیت مدنی ایالات متحده را بری از مسئولیت دانست.^{۵۹} دادگاه تجدید نظر عدم قابلیت استناد به قانون مسئولیت مدنی بیگانگان را تأیید نمود ولی

54. *Ibid*, 781.55. *Ibid*, 801.56. *Ibid*, 826-7.57. *Sosa v. Alvarez-Machain*.

58. Federal Tort Claims Act, 28 U.S.C. § 1346(b).

این قانون به شهروندان ایالات متحده اجازه می‌دهد تا خسارات وارده به اموال و جان که ناشی از غفلت یا عمل خطا و یا عدم انجام امری که اجرای آن وظیفه کارمندان دولت و در حیطه وظایف آنها می‌باشد مطالبه نمایند.

59. *Alvarez-Machain v. United States*, 266 F3d 1045, 1049 (9th Cir 2001).

ایالات متحده را به استناد قانون فدرال مسئولیت مدنی مسؤول دانست.^{۶۰} دیوان عالی کشور در رأی خود هم خسارت مادی به آلوارز و هم مسئولیت ایالات متحده را رد نمود. دیوان عالی کشور اول تصریح نمود که قانون مسئولیت مدنی بیگانگان تنها قانونی مربوط به صلاحیت است و حق اقامه دعوا را به خواهان اعطاء نمی‌کند.^{۶۱} دیوان عالی کشور بدون شفاف‌سازی در خصوص حق اقامه دعوا، تصریح کرد که قانون مسئولیت مدنی بیگانگان قصد این را ندارد که تمامی حقوق بین‌الملل را شامل شود.^{۶۲} دیوان تصریح کرد که قلمرو قانون مسئولیت مدنی بیگانگان، تنها باید محدود به یکسری مسئولیت مدنی که در کامن‌لا وجود داشته است، شود.^{۶۳} دیوان عالی با اشاره به مفهوم حقوق ملل در زمان تصویب، استدلال کرد که این موارد محدود به دزدی دریایی، نقض حقوق سفرا و نقض اجازه برای رفت و آمد به بیگانگان^{۶۴} بوده است.^{۶۵} بر این اساس، دادگاه استدلال کرد که حقوق ملل از لحاظ قلمرو و مشخص بودن باید به همان اندازه که «حقوق ملل» در زمان تصویب قانون مسئولیت مدنی بیگانگان بوده، باشد.^{۶۶}

دیوان عالی کشور در پرونده سوسا از دادگاه‌های فدرال می‌خواهد که تنها مواردی را به عنوان حقوق ملل در قانون مسئولیت مدنی بیگانگان اعمال نمایند که بر اساس عرف بین‌الملل، معین، جهانی و تعهدآور باشد.^{۶۷} دیوان عالی کشور همچنین به طور مشخص مصداق حقوق ملل را مشخص نمی‌نماید. در این پرونده از جمله نکاتی که به آن پرداخته نشده است، این مطلب است که آیا اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند در دعاوی مربوط به مسئولیت مدنی بیگانگان به عنوان خوانده طرف دعوا قرار گیرند یا خیر؟

در پرونده کیوبل علیه شرکت نفتی دانمارک^{۶۸} استناد به قانون مسئولیت مدنی بیگانگان علیه شرکت‌ها مطرح شد. در این پرونده خواهان که شهروندان نیجریه بودند پرونده‌ای را علیه کشور دانمارک و شرکت شل در سال ۲۰۰۲ به دلیل نقض حقوق بشر مطرح نمودند.^{۶۹} دادگاه تجدید نظر ناحیه دوم، با پیروی از تفسیر مضیق دیوان عالی کشور در پرونده سوسا،

60. Alvarez-Machain v. United States, 331 F3d 604, 641 (9th Cir 2003).

61. Sosa v. Alvarez-Machain, 542 US at 699, 724.

62. *Ibid.*

63. *Ibid.*, 720.

64. Violation of safe conducts.

65. Sosa v. Alvarez-Machain, 542 US at 699, 724.

66. *Ibid.*, 725.

67. *Ibid.*, 733 (specific, universal and obligatory norm).

68. Kiobel v. Royal Dutch Petroleum Co.

69. 456 F. Supp. 2d 457 (SDNY 2006).

اقامه دعا علیه شرکت‌های تجاری به دلیل اینکه حقوق عرفی بین‌المللی در خصوص قواعد حقوق بشر مسئولیتی برای آنها ایجاد نمی‌نماید، را رد کرد.^{۷۰} دادگاه به این نکته اشاره نمود که مسئولیت شرکت‌ها در حقوق بین‌الملل هنوز به عرف بین‌المللی تبدیل نشده که بتواند در این دادگاه به آن استناد شود.^{۷۱}

باید توجه کرد که دادگاه‌های تجدید نظر ناحیه هفتم، نهم، یازدهم و منطقه کلمبیا مسئولیت شرکت‌های تجاری را به دلیل نقض معاهدات ایالات متحده و حقوق ملل مورد پذیرش قرار داده‌اند.^{۷۲}

دادگاه تجدید نظر ناحیه یازدهم در پرونده رومرو علیه دراموند^{۷۳} برای اولین بار به صراحت به مسئولیت مدنی شرکت‌های تجاری در صورت نقض حقوق ملل رأی داده است.^{۷۴} دادگاه تجدید نظر منطقه کلمبیا نیز در پرونده دو علیه شرکت اگزاز موبیل^{۷۵} با استناد به حقوق کامن لا و نه حقوق بین‌الملل رأی داد که شرکت‌ها می‌توانند در دعاوی مربوط به قانون مسئولیت مدنی بیگانگان، خوانده دعا واقع شوند.^{۷۶} باید توجه نمود که دیوان عالی کشور در پرونده آلوارز علیه سوسا بین شخص حقیقی و حقوقی تمایزی قائل نشده است و تمامی آنها از نقض معاهدات ایالات متحده و حقوق ملل (قواعد آمره) و عرف بین‌المللی که مشخص، جهانی و تعهدآور باشد، منع شده‌اند.^{۷۷} این بدان معناست که شرکت‌های تجاری همچنان در صورت نقض عرف بین‌المللی مسئول هستند و می‌توان آنها را در دادگاه فدرال ایالات متحده به شرط احراز سایر شرایط قانونی مورد تعقیب قرار داد.

نتیجه

قانون مسئولیت مدنی بیگانگان هر چند که بیش از ۲۲۰ سال پیش به تصویب اولین کنگره ایالات متحده رسیده است، ولی اجازه اقامه دعا را به بیگانگان داخل در قلمرو سرزمینی ایالات متحده به استناد نقض معاهدات بین‌المللی ایالات متحده و یا حقوق ملل می‌دهد. هر

70. *Kiobel v. Royal Dutch Petroleum Co.*, 621 F.3d 111, 124-125 (2d Cir. 2010).

71. *Ibid*, 145.

72. *Flomo v. Firestone National Rubber Co*, 643 F. 3d 1013 (7th Cir. 2011); *Sarei v. Rio Tinto*, 671 F.3d 736, 742 (9th Cir. 2011).

73. *Romero v. Drummond Co. Inc*, 552 F.3d 1303 (11th Cir. 2008).

74. *Ibid*, 1309.

75. *Doe v. Exxon Mobil Corp.*, 654 F. 3d 11 (DC. Cir. 2011).

76. *Ibid*, 41-42.

77. Dodge, "Corporate Liability Under Customary International Law"; see also Winkler, "What Remains of the Alien Tort Statute After *Kiobel*"; see also Young, "Universal Jurisdiction, the Alien Tort Statute, and Transnational Public Law Litigation after *Kiobel*".

چند که این قانون تعریفی از مفهوم بیگانه، مسئولیت مدنی، حقوق ملل و معاهدات بین‌المللی ارائه ننموده است، اما این قانون در موارد زیادی به خصوص پس از سال ۱۹۸۰ میلادی در دعوای علیه دولت‌ها، نهادهای دولتی، شرکت‌های تجاری و اشخاص حقیقی مورد استناد قرار گرفته است و آن مفاهیم با توجه به شرایط زمانی و مکانی و به خصوص با توجه به سیاست‌گذاری‌های دولت ایالات متحده تفسیر موسع و مضیق شده است.^{۷۸}

این قانون در دعوای مختلفی منجر به صدور رأی به نفع خواهان^{۷۹} و یا صلح و سازش طرفین^{۸۰} و پرداخت غرامت به خواهان شده است. البته قابل ذکر است که دادگاه فدرال ممکن است به دلایل مختلفی از جمله سیاسی بودن موضوع دعوا،^{۸۱} استناد به دکترین حاکمیتی بودن عمل دولت،^{۸۲} قانون مصونیت دولت‌های خارجی^{۸۳} و یا به توجه به اینکه دادگاه مناسب برای رسیدگی نیست^{۸۴} و یا دعوا در جای دیگر در حال رسیدگی است،^{۸۵} صلاحیت خود را اعمال نکند.

هر چند که دیوان عالی ایالات متحده تفسیری مضیق از قلمرو قانون مسئولیت مدنی بیگانگان ارائه داده است، اما این تفسیر همچنان راه استناد به قانون فوق را باز گذاشته و با گذر زمان امکان ارائه تفاسیر جدید و گسترش قلمرو این قانون وجود دارد. با توجه به سابقه

78. Congressional Research Service, The Alien Tort Statute: Legislative History and Executive Branch Views, pp. 21-31 (Jennifer K. Elsea, October 2003), available at research.policyarchive.org/1864.pdf (last visited 13.06.15).

۷۹. در خصوص صدور رأی مبنی بر پرداخت غرامت علیه شخص یا شرکت، نک:

- Chavez v. Carranza, 559 F.3d 486 (6th Cir. 2009) (six million US dollar award granted)
- Jean v. Dorelien, 431 F.3d 776 (11th Cir. 2005) (more than four million US dollar award granted)
- Arce v. Garcia, 434 F.3d 1254 (11th Cir. 2006) (jury held defendant liable and payment of more than fifty four million US dollars)
- Lizarbe v. Hurtado, (S.D. Fla. 2008) (around 37 million US dollar award granted)
- Kpadeh et al. v. Emmanuel, 261 F.R.D. 687 (S.D. Fla. 2009) (twenty two million dollar award granted)
- Licea v. Curacao Drydock Co., 584 F. Supp. 2d 1355 (S.D.Fla. 2008) (eighty million dollar award granted against a corporation)

۸۰. در خصوص پرونده‌هایی که منجر به صلح و سازش شده، نک:

- Sideman de Blake v. Republic of Argentina, 965 F.2d 699 (9th Cir. 1992)
- Jama v. U.S. I.N.S., 22 F.Supp.2d 353 (D.N.J. 1998)
- Bodner v. Banque Paribas, 114 F. Supp. 2d 117, 128 (E.D.N.Y. 2000)
- Abdullahi v. Pfizer, Inc., 562 F.3d 163 (2d Cir. 2009)
- Al-Quraishi et al. v. Nakhla et al. (4th Cir. 2012)

81. political question doctrine

82. act of state doctrine

83. Foreign Sovereign Immunities Act

84. forum non conveniens

85. *lis alibi pendens*

رابطه خصمانه ایالات متحده و بعضی از کشورها با جمهوری اسلامی ایران، استفاده از این ظرفیت برای اقامه دعا علیه شرکت‌های بین‌المللی و دولت‌های دیگر در دادگاه‌های فدرال ایالات متحده می‌تواند مد نظر قرار گیرد.

فهرست منابع

الف) مقالات

- Bellia Jr., Anthony J. & Bradford R. Clark. "The Alien Tort Statute and the Law of Nations." *University of Chicago Law Review* 78:2 (2011): 445-552.
- Vazquez, Carlos Manuel. "Judicial Enforcement of Treaties: Self-Execution and Related Doctrines." *American Society of International Law Proceedings* 100 (2006): 439-448.
- Vázquez, Carlos Manuel. "The Four Doctrines of Self-Executing Treaties." *American Journal of International Law* 89 (1995): 695-723.
- Young, Ernest A. "Universal Jurisdiction, the Alien Tort Statute, and Transnational Public Law Litigation after Kiobel." *Duke Law Journal* 64 (2014): 1023-1127.
- Berry, M. Anderson. "Whether Foreigner or Alien: A New Look at the Original Language of the Alien Tort Statute." *Berkeley Journal of International Law* 27:2 (2009): 316-381.
- Winkler, Matteo M. "What Remains of the Alien Tort Statute After Kiobel." *North Carolina Journal of International Law and Commercial Regulation* 39:1 (2013): 171-190.
- Hathaway, Oona A., Sabria McElroy & Sara Aronchick Solow. "International Law at Home: Enforcing Treaties in U.S. Courts." *The Yale Journal of International Law* 37:1 (2012): 51-106.
- Dodge, William S. "Corporate Liability Under Customary International Law." *Georgetown Journal of International Law* 43 (2012): 1045-1051.

ب) مقالات و منابع در اینترنت

- Congressional Research Service, The Alien Tort Statute: Legislative History and Executive Branch Views (Jennifer K. Elsea, October 2003), available at research.policyarchive.org/1864.pdf
- Sovereignty, Stanford Encyclopedia of Philosophy, available at <http://plato.stanford.edu/entries/sovereignty/>
- The OECD Guidelines for Multinational Enterprises, available at <http://www.oecd.org/corporate/mne/>
- The United Nations Global Compact, Ten Principles, available at <https://www.unglobalcompact.org/>
- United States Department of Justice, Introduction to the Federal Court System, available at <http://www.justice.gov/usao/justice-101/federal-courts>

ج) کتب

- Garner, Bryan A. (ed.) *Black's Law Dictionary*, 9th ed., 2009.
- Born, Gary. *International Civil Litigation in United States Courts: Commentary & Materials*, 3rd ed., Kluwer International Law, 1996.

د) آراء قضایی دادگاه‌های ایالات متحده

- Abdullahi v. Pfizer, Inc., 562 F.3d 163 (2d Cir. 2009)
- Abebe-Jira v. Negewo, 72 F.3d 844 (11th Cir.1996)
- Al-Quraishi et al. v. Nakhla et al. (4th Cir. 2012)
- Alvarez-Machain v. United States, 266 F.3d 1045, 1049 (9th Cir 2001)
- Alvarez-Machain v. United States, 331 F.3d 604, 641 (9th Cir 2003)
- Arce v. Garcia, 434 F.3d 1254 (11th Cir. 2006)
- Beanal v. Freeport-McMoran. Inc., 969 F. Supp. 362 (E.D. Louisiana 1997), affirmed in 197 F.3d 161 (5th Cir.1999).
- Bodner v. Banque Paribas, 114 F. Supp. 2d 117, 128 (E.D.N.Y. 2000)
- Bolchos v. Darrell, 3 F. Cas. 810 (D.S.C. 1795)

- Chavez v. Carranza, 559 F.3d 486 (6th Cir. 2009)
 Doe v. Exxon Mobil Corp., 654 F. 3d 11 (DC. Cir. 2011)
 Doe v. Islamic Salvation Front, 993 F. Supp. 3, 8 (D.D.C. 1998)
 Estate of Cabello v. Fernandez-Larios, 157 F. Supp. 2d 1345 (S.D Fla. 2001)
 Filartiga v. Pefia-Irala, 630 F.2d 876 (2d Cit. 1980).
 Flomo v. Firestone National Rubber Co, 643 F. 3d 1013 (7th Cir. 2011); Sarei v. Rio Tinto, 671 F.3d 736, 742 (9th Cir. 2011)
 Forti v. Suarez-Mason, 672 F.Supp. 1531 (N.D. Cal. 1987)
 Frummer v. Hilton Hotels, 227 N.E.2d 851 (NY 1967)
 Hiloa v. Estate of Marcos, 25 F3d 1467 (9th Cir 1994)
 Iwanowa v. Ford Motor Co., 67 F. Supp. 2d 424, 443 (D.C. N.J. 1999)
 Jama v. U.S. I.N.S., 22 F.Supp.2d 353 (D.N.J. 1998)
 Jean v. Dorelien, 431 F.3d 776 (11th Cir. 2005)
 Kadic v. Karadzic, 70 F3d 232, 236 (2d Cir 1995)
 Kiobel v. Royal Dutch Petroleum Co., 456 F. Supp. 2d 457 (SDNY 2006)
 Kiobel v. Royal Dutch Petroleum Co., 621 F.3d 111, 124-125 (2d Cir. 2010)
 Kpadeh *et al.* v. Emmanuel, 261 F.R.D. 687 (S.D. Fla. 2009)
 Licea v. Curacao Drydock Co., 584 F. Supp. 2d 1355 (S.D.Fla. 2008)
 Lizarbe v. Hurtado, (S.D. Fla. 2008)
 NCGUB v. Unocal Corp., 176 F.R.D. 329, 348 (C.D. Cal. 1997)
 Presbyterian Church of Sudan v. Talisman Energy Inc., 244 F.Supp.2d 289 (S.D.N.Y., 2003)
 Presbyterian Church of Sudan v. Talisman Energy, Inc., 582 F.3d 244 (2nd Cir. 2009)
 Rasul v. Bush, 524 U.S. 466 (2004)
 Romero v. Drummond Co. Inc, 552 F.3d 1303 (11th Cir. 2008)
 Sideman de Blake v. Republic of Argentina, 965 F.2d 699 (9th Cir. 1992)
 Sosa v. Alvarez-Machain, 542 U.S. 692, 718-19 (2004)
 State v. Sanchez-Llamas, 338 Ore. 267 (2005)
 Tel-Oren v. Libyan Arab Republic. 726 F.2d 77, 826-827 (DC Circuit Court, 1984)
 Wiwa v. Royal Dutch Petroleum Co., 226 F.3d 88 (S.D.N.Y. 2002)
 Xuncax v. Gramajo, 886 F.Supp. 162 (D.Mass. 1995)

ه) قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران

قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۲۱ (روزنامه رسمی ۱۶۰۷۰)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

و) قوانین و مقررات ایالات متحده

Alien Tort Claim Act or Alien Torn Statute, 28 U.S.C. § 1350
 Federal Tort Claims Act, 28 U.S.C. § 1346(b)
 Judiciary Act 1789, 1 Stat. 73
 Revised Statutes of the United States § 563 (1879)

Jurisdiction of the United States Courts to Hear Disputes under Alien Tort Statutes against Multinational Corporations

Navid Rahbar (Ph.D.)

Assistant Professor at Shahid Beheshti University, Tehran, Member of New York Bar Association, Member of Central Iranian Bar Association (Attorney at Law),
Email: nrahbars@gmail.com

Although Alien Tort Statutes passed by the first Congress of the United States in 1789, after more than 220 years this law has been utilized and construed by the United States Federal Courts. This law allows foreigners to raise disputes in the United States Federal Courts in case of violation of international treaties of the United States or law of nations which results in torts. This Article aims at analyzing jurisdiction of courts to admit and hear cases pursuant to this law and to issue verdicts against multinational corporations.

Keywords: jurisdiction, Alien Tort Statutes, multinational companies, violation of treaties and law of nations.